عید سینمایی فیلم‌اولی‌ها

تکلیف اکران نوروز مشخص شد، ارشاد برای بهتر دیده شدن آثار خوب چه کارهایی می‌تواند انجام دهد

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

چهار فیلم از هفت فیلم اکران نوروز، فیلم‌اولی‌های موفق جشنواره چهل‌ودوم هستند. سه فیلم دیگر اکران هم از تولیدات فیلمسازان جوان است و به‌نظر می‌رسد سال جدید قرار است با قوای تازه سینمای ایران کارش را شروع کند. روح‌الله سهرابی، مدیرکل اداره نظارت بر نمایش فیلم با اعلام اینکه اکران نوروزی از ۲۳ اسفندماه شروع می‌شود، درباره آثار انتخاب شده، گفت: «فیلم‌های «تمساح خونی»، «بی‌بدن»، «آسمان غرب»، «پرویزخان»، «آپاراتچی»، «نوروز» و «ایلیا در جست‌وجوی قهرمان» برای اکران نوروزی انتخاب شده‌اند.»

اکران بی‌ربط به جشنواره نشود

به نظر می‌رسد سیاست‌های سازمان سینمایی نیز در اکران عمومی، بیش از هرچیز روی وجوه صنعتی سینما تاکید دارد و برای رونق گیشه‌ها به وسیله فیلم‌های تجاری است، نه برای نمایش فیلم‌های ملی و استراتژیک. گویی هدف بیشتر آن است که فروش گیشه و ارقام دهان‌پرکن گیشه بالا رود و در این مسیر، بیشتر به فیلم‌هایی میدان داده می‌شود که در جشنواره حضور نداشته‌اند. نشان به آن نشان که در سال‌های اخیر، گاه بین کمدی‌های حاضر در جشنواره فیلم فجر و فیلم‌های کمدی خارج از آن، اولویت اکران نوروزی با دسته دوم بوده است؛ امری که این شائبه را به وجود می‌آورد که برای مدیریت سازمان سینمایی، مسیر جشنواره فیلم فجر با مسیر اکران عمومی کاملا جداست. در عین حال به نظر برای اکران نوروز ۱۴۰۳ این مورد رعایت شده و از هفت فیلم درنظرگرفته‌شده برای این اکران پراهمیت و طلایی، تنها یک اثر از محصولات خارج از جشنواره انتخاب شده که دقت نظر سازمان سینمایی را در این دور اکران نشان می‌دهد.

در ادامه نگاهی انداختیم به هفت فیلمی که در نوروز ۱۴۰۳ اکران خواهند شد.

پرویزخان

«پرویزخان» به‌عنوان یکی از پدیده‌های جشنواره امسال معلوم بود هم می‌تواند جای خالی فیلم‌های فوتبالی را در سینمای ما پر کند و هم قادر است مخاطبانی که نسبتی با جزئیات تخصصی فوتبال ندارند را دنبال خودش بکشاند. فیلمی که اگر مهندسی‌های اکران ستاره‌محور در سینمای ایران مانعش نباشند، به‌طور طبیعی و نرمال می‌تواند گیشه بسیار مناسبی داشته باشد.

تمساح خونی

اولین فیلم جواد عزتی یکی از همخوان‌ترین فیلم‌های فجر ۴۲ با جریان قالب اکران در ایران بود؛ کمیک و پرستاره. البته عزتی تلاش کرده بود در اولین فیلمش مقداری از کمدی‌های معمول این روزها آبرومندتر باشد و با کارگردانی‌اش نشان دهد از این به بعد غیر از بازیگری، می‌شود روی فیلمسازی او هم حساب کرد. از ابتدا پیش‌بینی‌ها این بوده که «تمساح خونی» یکی از پرفروش‌های سال ۱۴۰۳ باشد.

نوروز

«نوروز» که نامش باعث شده بود خیلی‌ها از ابتدا تصور کنند بهترین زمان برای اکران آن ایام جشن سال نو شمسی است، غیر از چهار انیمیشن جشنواره و احیانا آثار دیگری که در طول سال از آنها رونمایی خواهد شد، تنها کار کودک قابل اعتنا در فجر ۴۲ بود که می‌توانست به اکران نوروز ۱۴۰۳ بیاید. البته عموما زمان مناسب برای اکران فیلم‌های کودک را مهرماه و زمان بازگشایی مدارس می‌دانند.

آپاراتچی

«آپاراتچی» فیلمی کمدی و سرگرم‌کننده است اما از سیستم غالب کمدی‌های بفروش سینمای ایران در این روزها کاملا تبعیت نمی‌کند. این فیلم پر از ستاره‌های گران نیست و تابوشکنی‌های اخلاقی هم نمی‌کند. اگر برای محافظت از الگوهای همیشگی گیشه، سر راه فروش این فیلم موانعی ایجاد نشود، خواهد توانست مسیر جدیدی در فیلمسازی ایران ایجاد کند که هم سرگرم‌کننده است و هم آبرومند.

آسمان غرب

طبیعتا یکی از فیلم‌های ارزشی و ستایش‌شده جشنواره هر سال باید سهمی در اکران نوروز داشته باشد، اما با اینکه همه توقع داشتند امسال این سهمیه به فیلم «مجنون» برسد، «آسمان غرب» بود که این امکان را پیدا کرد. فیلمی که بسیار پرخرج بوده و مخاطبان خودش را هم دارد، اما قطعا پرفروش‌ترین کار گیشه امسال نیست و نهایتا می‌توان به یک فروش آبرومند برایش امیدوار بود.

بی‌بدن

«بی‌بدن» یکی از جنجالی‌ترین فیلم‌های جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر بود. جنجالش هم نه‌فقط به‌خاطر موضوع جنایی آن بلکه پیش از نمایش در جشنواره، سروصدای زیادی پیرامون قرار نگرفتن این فیلم در بخش سودای سیمرغ شکل گرفت. یکی از نقاط قابل توجه این اثر سینمایی، نویسندگی کاظم دانشی برای این فیلم است که پیش از این کارگردان فیلم سینمایی «علفزار» را برعهده داشت.

ایلیا، جست‌وجوی قهرمان

فیلم «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» در جشنواره کودک و نوجوان اصفهان رونمایی شد. اگرچه این اثر، فیلم شاخص و مهمی در سینمای کودک و نوجوان نیست اما به‌دلیل اینکه تنها کار ویژه کودکان و نوجوان در نوروز ۱۴۰۳ است، احتمالا فروش خوبی داشته باشد. درحقیقت قرار گرفتن این فیلم در اکران نوروزی لطفی بوده که مدیران به مضمون ارائه شده در این فیلم کردند.

ارگان‌ها در جشنواره فیلم فجر قبول یا رفوزه؟

چهل و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فجر را احتمالا می‌توان یکی از متفاوت‌ترین ادوار یکی دو دهه اخیر این رویداد سینمایی دانست. جایی که نهادهایی مانند بنیاد فارابی، حوزه هنری و سازمان اوج مثل چند سال گذشته فیلم داشتند و با اضافه شدن ارگان‌های قدیمی‌تر مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و حتی نهادهای جدید مثل مجتمع مهوا، عملا به میدان رقابت ارگان‌های دولتی، نظامی و عمومی تبدیل شده بود. حالا و در شرایطی که حدود یک هفته از پایان این رویداد گذشته، احتمالا بهترین زمان برای ارزیابی عملکرد این نهادهاست که شاید سال آینده هم در کنار برخی دیگر از مجموعه‌های متصل به بودجه‌های عمومی، رقبای اصلی جشنواره چهل و سوم فیلم فجر را تشکیل دهند. در گزارش پیش‌رو به ۲۲ فیلمی پرداختیم که در این دوره جشنواره به شکل رسمی از سرمایه نهادها استفاده کرده بودند و تلاش کردیم نتیجه کار را بر اساس فضای کلی نظرات منتقدان، واکنش عموم تماشاگران و آرای داوران جشنواره بررسی کنیم.

۱۰ ارگان، ۲۲ فیلم

بر اساس اخبار منتشرشده درباره ۳۳ فیلم ایرانی حاضر در سه بخش سودای سیمرغ، نگاه نو و انیمیشن در این دوره از جشنواره فیلم فجر، ۲۲ فیلم از سرمایه نهادهای حاکمیتی استفاده کرده‌اند که این ۱۰ نهاد را شامل می‌شود: بنیاد سینمایی فارابی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوج، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، شهرداری تهران، مجتمع مهوا، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد روایت فتح، بنیاد بیان، بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. در میان این ارگان‌ها، برخی مثل بنیاد فارابی و کانون پرورش فکری بیش از سه دهه سابقه حضور در جشنواره فجر دارند، برخی مثل سازمان اوج در سال‌های اخیر حضور چشمگیری در جشنواره پیدا کرده‌اند و البته در این میان نهاد جدیدی به نام «مهوا» وابسته به سازمان بسیج مستضعفین هم به چشم می‌خورد که به تازگی دست به فیلمسازی زده و برای نخستین بار در چهل و دومین دوره جشنواره فیلم فجر حاضر شده است. وزارت میراث فرهنگی نیز که در دوره اخیر تمایل زیادی به فعالیت‌های سینمایی و تلویزیونی نشان می‌دهد، یک فیلم را به جشنواره فرستاد.

هزینه بالای فیلم‌ها

نکته‌ای که در میان فیلم‌های چهل و دومین دوره از جشنواره فیلم فجر دیده می‌شد، حضور چشمگیر محصولاتی با پروداکشن بزرگ و هزینه بالاست. در شرایطی که ساخت فیلم‌های تاریخی، جنگی و انیمیشن به طور معمول هزینه بالایی می‌طلبد، در میان ۲۲ فیلم ارگانی این دوره، خیل فیلم‌های جنگی در کنار چند اثر تاریخی حضور داشته‌اند و با نمایش چهار پویانمایی بلند، از این جهت دوره چهل و دوم رکورددار شد. در میان این آثار، محصولاتی مانند «مجنون»، «آسمان غرب»، «بهشت تبهکاران»، «احمد» و «قلب رقه» احتمالا پرهزینه‌ترین فیلم‌های جشنواره لقب بگیرند. شنیده‌ها نشان می‌دهد ارقام تولید برخی از این فیلم‌ها به قدری بالاست که شاید بتوان با آن سریال خانگی ساخت. در این میان به ندرت بتوان آثاری کم‌هزینه مثل «صبح اعدام» یا «ظاهر» یافت. با وجودی که در برخی دوره‌های گذشته، گاه ارگان‌ها بودجه فیلم‌های خود را اعلام کرده بودند، ولی امسال با وجود گذشت حدود ۱۰ روز از برگزاری مراسم اختتامیه، هزینه تولید هیچ‌کدام از فیلم‌های ارگانی به شکل رسمی اعلام نشده است.

شکست فیلم‌های فجر۴۱

همه این هزینه‌های بالا در حالی است که سازندگان بسیاری از این محصولات، حتی امیدی به فروش ۲۰ میلیارد تومانی که بتواند نیمی از هزینه‌های تولید را هم جبران کند، ندارند، چه برسد به کسب گیشه‌ای که باید ۳ برابر هزینه‌های تولید باشد تا بتواند هزینه تولید یک فیلم را سربه‌سر کند. نگاهی به فهرست فیلم‌های اکران‌شده در طول سال نشان می‌دهد که تنها یک اثر شرکت‌کننده در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر، پرفروش شده است؛ «بچه‌زرنگ» با گیشه ۶۲ میلیارد تومانی. بقیه آثار شامل «کت‌چرمی» با فروش ۱۴ میلیاردی، «غریب» با فروش ۱۰ میلیاردی، «جنگل پرتقال» با فروش ۳ میلیاردی، «سرهنگ ثریا» با فروش کمتر از ۲ میلیاردی، «بعد از رفتن» با فروش یک میلیاردی، «پالایشگاه» با فروش ۶۰۰ میلیونی، «پرونده باز است» با فروش ۵۸۰ میلیونی، «شماره ۱۰» با فروش ۵ میلیونی و «چرا گریه نمی‌کنی؟» با فروش ۴۰۰ میلیونی جمعا حدود ۳۰ میلیارد تومان فروخته‌اند. روشن است که هیچ‌کدام از این آثار حتی «کت‌چرمی» به هزینه تولید هم نرسیده‌اند، چه برسد به سودآوری. بنابراین شکست این ۹ فیلم جشنواره ۴۱ که اغلب‌شان محصولات ارگان‌ها بودند، نوید مناسبی از سینمای ایران در سال آینده نمی‌دهد.

تنها در اکران

حال این نکته مهم نیازمند توجه است که آیا ارگان‌ها در زمان نمایش عمومی فیلم‌ها روی پرده سینما نیز از سرمایه‌گذاری‌های چند ده میلیارد تومانی که از بیت‌المال انجام شده، مراقبت می‌کنند؟ اگر قرار باشد پاسخ یک کلمه‌ای به این پرسش داده شود، «بسیار کم» خواهد بود. یعنی ارگان‌ها به ندرت در زمان اکران عمومی محصولات سینمایی، برای بهتر دیده شدن فیلم‌ها هزینه و تلاش می‌کنند. تحلیل بدبینانه این وضعیت، آن است که مدیران ارگان‌ها می‌پندارند کار اصلی را در تولید و نمایش اولیه در جشنواره فیلم فجر انجام داده‌اند و بیلان کاری پر شده؛ بنابراین دیگر نیازی به تبلیغات برای نمایش موفق و گیشه پررونق فیلم‌ها نیست. به هر روی، علت هرچه که باشد، ضعف تبلیغات و اطلاع‌رسانی را در سینمای ایران نشان می‌دهد که بسیاری از محصولات سینمایی در نهایت در قاب تلویزیون به دست مخاطب می‌رسند، نه روی پرده سینما که جایگاه اصلی این فیلم‌هاست. پرسش اینجاست؛ اگر قرار بود فیلم برای نمایش تلویزیونی ساخته شود، چه نیازی به استفاده از تجهیزات گران‌قیمت سینمایی، عوامل درجه‌یک پشت دوربین و البته ستاره‌های سینما بود؟ اغلب این پروژه‌ها را می‌شود با هزینه‌هایی بسیار کمتر برای تلویزیون تولید کرد. این در حالی است که ارگان‌ها باید بدانند فیلم‌ها را نباید برای خوش‌آمد مدیران بالادستی، بلکه باید برای عموم تماشاگران ساخت. اگر هدف، روایت صحیح تاریخ معاصر یا معرفی قهرمانان ملی به نسل جوان است، طبعا مخاطب عام باید هدف قرار گیرد، نه مدیران و بولتن‌ها.

سهم ارگان‌ها از جوایز و نامزدی‌های فجر ۴۲

نام فیلم	تعداد نامزدی	سیمرغ+ دیپلم افتخار
مجنون	۱۳	٤
پرویزخان	۹	۱+۲
احمد	۳	۱+۲
صبح اعدام	۸	۲
دست ناپیدا	۲	۱+۱
قلب رقه	۸	۱
آسمان غرب	٦	۱
پروین	٦	۱
آپاراتچی	۳	۱
ببعی قهرمان	۰	۱+۰
بهشت تبهکاران	۷	۰
آبی روشن	۵	۰
شور عاشقی	۳	۰
بی‌بدن	۲	۰
شه‌سوار	۱	۰
باغ کیانوش	۰	۰
دو روز دیرتر	۰	۰
رویاشهر	۰	۰
ساعت جادویی	۰	۰
شمشیر و اندوه	۰	۰
ظاهر	۰	۰
میرو	۰	۰

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

اوج

مجنون/ پرویزخان/ ببعی قهرمان

سه فیلمی که سازمان هنری- رسانه‌ای اوج بدون مشارکت نهادهای دیگر به چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر رساند، در مجموع آثار موفقی از آب درآمدند؛ چه در جلب نظر داوران، چه در برقراری ارتباط با تماشاگران و چه در نقدهای منتقدان. «مجنون» که ۱۴ نامزدی و چهار سیمرغ ازجمله جایزه بهترین فیلم را کسب کرد؛ هر چند با برخی نقدهای منفی هم مواجه شد، اما درنهایت به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌های این دوره جشنواره قد علم کرد. اثری بسیار عظیم و پرهزینه که در رشته‌های فنی و کارگردانی مورد توجه اهالی رسانه بود و در بازیگری نیز هدف نقدهای منفی زیادی قرار نگرفت. از برخی لحظات تاثیرگذار، موسیقی شنیدنی و جلوه‌های ویژه میدانی قدرتمند مجنون، می‌توان به‌عنوان نقاط قوتی نام برد که در بسیاری از نقدهای منتقدان دیده می‌شود. غافلگیری جشنواره از طرف اوج اما، فیلم «پرویزخان» بود. یک درام بیوگرافی و ورزشی سرحال و بسیار تماشاگرپسند که مطابق قواعد ژانر ساخته شد و در روزهای فوتبالی جشنواره، جور حذف تیم ملی را هم کشید و اهالی رسانه را بارها و بارها به تشویق واداشت. این فیلم را با وجود برخی مخالفت‌های فرامتنی، ازجمله معدود آثار جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر می‌توان دانست که جمله نقدهای آن مثبت است و کمتر نقد منفی درباره آن می‌توان یافت. شمار زیادی از منتقدان حتی پرویزخان را بهترین فیلم جشنواره امسال می‌دانند. این فیلم موفق شد نظر هیات‌داوران را هم جلب کند و در بخش سودای سیمرغ هفت نامزدی ازجمله رشته‌های بهترین فیلم و کارگردانی کسب کرد و علاوه‌بر دریافت سیمرغ بهترین فیلم اول، دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه را هم گرفت؛ آن هم در دوره‌ای که سیمرغ فیلمنامه اهدا نشد. واکنش‌های اهالی رسانه در جشنواره می‌گویند اگر پرویزخان در شرایط مناسبی اکران شود، ظرفیت فروش بالا را خواهد داشت. سومین فیلم مستقل اوج، «ببعی قهرمان» پویانمایی ویژه خردسالان است که به‌نظر بین آثار بخش انیمیشن جشنواره ۴۲، بیشترین نظرات مثبت را میان منتقدان برانگیخت؛ اگرچه منتقدان کمتر درباره انیمیشن‌های جشنواره نقد نوشتند و نظر دادند. این اثر توانست تنها جایزه بخش انیمیشن را که دیپلم افتخار بود، دریافت کند. «ببعی» خصوصا به‌علت آشنایی بچه‌ها با کاراکتر آن در شبکه پویا، فروش قابل توجهی در گیشه هم خواهد داشت.

اوج، بنیاد فارابی و بنیاد امام رضا(ع)

آبی روشن

تنها محصول مشترک اوج در جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر، تنها اثر این سازمان از آب درآمد که واکنش‌های منفی به آن بیش از واکنش‌های مثبت بود. «آبی روشن» را بابک لطفی خواجه‌پاشا کارگردانی کرده که سال گذشته با «در آغوش درخت» تحسین‌های بسیاری را برانگیخته بود، ولی آبی روشن دومین فیلم او اثر موفقی نشد. فیلمی که منتقدان قابل توجهی یافت و در نقدهای منتشرشده، اثری کند، کش‌دار و ملال‌آور لقب گرفت که به‌رغم وجود برخی نقاط قوت مثل کارگردانی یا بازی مهران احمدی، اهالی رسانه را راضی نکرد. واکنش هیات‌داوران البته کمی متفاوت بود، تا جایی که برای آبی روشن، نامزدی در پنج رشته عموما فنی را درنظر گرفتند، هر چند به آن جایزه ندادند. این درام جاده‌ای آرام، بعید است گیشه موفقی داشته باشد.

بنیاد فارابی

بهشت تبهکاران/ شه‌سوار

دو محصولی که بنیاد سینمایی فارابی بدون مشارکت نهادهای دیگر به چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر فرستاد، آثاری پرانتقاد از آب درآمدند که به کارنامه این نهاد در جشنواره لطمه زد. «بهشت تبهکاران» که از حضور فیلمساز خالق سریال «در چشم باد» در مقام کارگردان بهره می‌برد، اثری کش‌دار، پر از تحلیل‌های سیاسی و تاریخی بیرون‌زده از درام و درنهایت غیرجذاب است که در بهترین حالت، در رده فیلم‌های متوسط رو به پایین جشنواره قرار می‌گیرد. اتفاق مهم درباره این فیلم که به‌نوعی با آبروی جشنواره فیلم فجر نیز بازی کرد، نمایش ناقص آن در جشنواره بود؛ درحالی‌که به‌عنوان یکی از فیلم‌های رزرو جشنواره فجر سال گذشته هم انتخاب شده بود و بسیاری تصور می‌کردند بعد از یک سال، قطعا برای این رویداد آماده نمایش است. با این حال بهشت تبهکاران با پرده سبز و صدای پراشکال پخش شد و سروصدای بسیاری به راه انداخت. این فیلم درنهایت هفت نامزدی به‌دست آورد که شگفتی بسیاری را برانگیخت. «شه‌سوار» نیز بهتر از بهشت تبهکاران از آب درنیامد؛ فیلمی که توسط بسیاری از منتقدان لقب کپی اثر قبلی فیلمساز (شادروان) را گرفت و به سختی می‌شود در فضای رسانه‌ای، نقد مثبتی درباره آن یافت. یکی از معدود نقاط مثبت این فیلم که در برخی نقدها مورد اشاره قرار گرفته، بازی برخی هنرپیشه‌های اصلی آن مثل عباس جمشیدی‌فر و گیتی قاسمی است. شه‌سوار هم مانند دیگر کمدی تولیدشده توسط بنیاد فارابی (دو روز دیرتر) اثری نیست که بتواند حتی تماشاگر عام را راضی از سالن سینما بیرون بفرستد. این فیلم درنهایت تنها یک نامزدی به‌دست آورد تا مشخص شود در جلب نظر داوران نیز ناکام بوده است.

حوزه هنری و کانون پرورش فکری

باغ کیانوش

مهم‌ترین فیلمی که اهالی رسانه از نبود آن در بخش اصلی جشنواره چهل و دوم تعجب کردند، «باغ کیانوش» است؛ اثری که در بخش نگاه نو حضور داشت و هر چه در جلب نظر منتقدان و تماشاگران موفق بود، مورد پسند هیات انتخاب و هیات‌داوران قرار نگرفت تا حتی یک نامزدی هم کسب نکرده باشد! باغ کیانوش، فیلمی ژنریک برای مخاطب نوجوان است که با اجماع نقدهای مثبت مواجه شد و از لحاظ فیلمنامه، کارگردانی و بازی هنرپیشه‌ها خصوصا عباس جمشیدی‌فر تحسین‌های زیادی را برانگیخت. بسیاری از اهالی رسانه، حق این فیلم می‌دانستند که به‌جای آثاری مثل «دست ناپیدا» و «شور عاشقی» در رقابت سودای سیمرغ حضور یابد؛ چراکه می‌توانست رقیبی جدی برای جوایز اصلی جشنواره هم باشد. عده‌ای از منتقدان حتی پا را فراتر گذاشتند و باغ کیانوش را بهترین فیلم جشنواره دانستند.

حوزه هنری و راه

ساعت جادویی/ آپاراتچی

حاصل همکاری حوزه هنری و دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، یکی کاملا ناموفق و دیگری نسبتا موفق است. «ساعت جادویی» را احتمالا می‌توان ضعیف‌ترین پویانمایی این دوره از جشنواره فیلم فجر دانست که نه توانست تماشاگران را راضی کند، نه نمره قبولی از منتقدان گرفت و نه توجه داوران را جلب کرد. اثری که در نقدهای آن می‌توان عبارت‌هایی چون «شعارزده»، «کش‌دار»، «بی‌کیفیت» و «تلویزیونی» یافت. این فیلم در نقدهای منتقدان با اجماع منفی مواجه شد و در هیچ رشته‌ای هم نامزدی سیمرغ به دست نیاورد. در مقابل «آپاراتچی» را می‌توان یکی از فیلم‌های محبوب اهالی رسانه در این دوره دانست. اثری بی‌ستاره، بی‌ادعا و تماشاگرپسند که از نظر برخی منتقدان در حد حضور در بخش سودای سیمرغ بود. این فیلم به‌عنوان یکی از معدود فیلم‌های اقتباسی فجر چهل‌ودوم، درنهایت نامزدی بهترین فیلم اول و بهترین کارگردانی اول را کسب کرد و سیمرغ جایزه ویژه هیات‌داوران را نیز به‌دست آورد تا نشان دهد با نظر مثبت داوران جشنواره هم مواجه شده است. آپاراتچی در گیشه هم از شانس مناسبی (نه برای رکوردزنی) برخوردار است.

حوزه هنری و بنیاد فارابی

آسمان غرب/ صبح اعدام

در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر، همکاری حوزه هنری و بنیاد سینمایی فارابی منجر به ساخت دو اثر کاملا متفاوت شد: «آسمان غرب» فیلمی بسیار پرهزینه در ژانر اکشن و جنگی که از ستاره‌های سینما بهره می‌برد و گویی برای تماشاگر عام ساخته شده است. این اثر با وجود واکنش‌های مثبت به «اتاقک گلی» اثر قبلی کارگردان آن، اثری در رده محصولات متوسط رو به بالای جشنواره امسال لقب گرفت که نتوانست اجماع مثبتی میان منتقدان به راه بیندازد. فیلم البته یک نقطه ضعف بارز دارد که از نظر جمله منتقدان، پاشنه آشیل آن است؛ اسلوب خاص تدوین فیلم که چه تماشاگر عام و چه منتقد سینما را آزار می‌دهد. اگر سازندگان آسمان غرب، از ایده خاص‌شان برای تدوین کوتاه بیایند، احتمالا اثری جذاب‌تر خواهد بود. با این تفاصیل، این فیلم شش نامزدی ازجمله نامزدی بهترین فیلم و یک سیمرغ فنی کسب کرد تا نشان از پسند داوران نسبت به آن باشد. در مقابل این اثر، «صبح اعدام» به‌عنوان اثری آوانگارد قرار می‌گیرد که بیشتر از سنخ سینمای هنر و تجربه است و به هیچ وجه نمی‌تواند با تماشاگر عام ارتباط برقرار کند. عده کمی از منتقدان این اثر را ستایش کردند، ولی جمله اهالی رسانه، فیلم را نپسندیدند و حتی به ورود فیلم در بخش مسابقه، انتقاد کردند. صبح اعدام در مقابل با کسب هشت نامزدی ازجمله نامزدی بهترین فیلم، فیلمنامه و کارگردانی و حتی کسب سیمرغ بهترین کارگردانی برای بهروز افخمی، به‌عنوان یکی از فیلم‌های محبوب هیات‌داوران جشنواره چهل‌ودوم به یاد آورده خواهد شد.

حوزه هنری و شهرداری تهران

احمد

فیلم سینمایی «احمد» از آن دسته آثاری است که نظرات بسیار متناقضی را برانگیخت. برخی منتقدان فیلم را پسندیدند و از آن تمجید کردند، ولی برخی دیگر از ضعف‌های جدی این اثر انتقاد کردند. درعین‌حال ویژگی‌های فنی فیلم مثل چهره‌پردازی، جلوه‌های ویژه بصری و میدانی و صحنه‌آرایی آن اجماع مثبت نسبی را میان اهالی رسانه به وجود آورد. منتقدان فیلم ما به قهرمان آن نقد زیادی داشتند و سازندگان این فیلم را برای نمایش ندادن چهره‌ای ناکافی و حتی ضعیف از شهید احمد کاظمی، شماتت کردند. با وجود این احوالات، احمد، ازجمله آثار نسبتا تماشاگرپسند جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر لقب گرفت. فیلم نظر مثبت هیات‌داوران را نیز جلب کرد و با چهار نامزدی منتج به یک سیمرغ و یک دیپلم افتخار، کارنامه‌ای مناسب به جا گذاشت.

بنیاد روایت فتح، بنیاد فارابی و حوزه هنری

دو روز دیرتر

یکی از محصولات پرانتقاد جشنواره چهل‌ودوم که در میان منتقدان، کمتر مدافعی یافت، فیلم «دو روز دیرتر» محصول مشترک بنیاد روایت فتح، بنیاد فارابی و حوزه هنری است که قرار بود موضوع فرزندآوری را در اثری کمدی به جشنواره بیاورد ولی با قصه‌پردازی ضعیف، شوخی‌های جنسی و کمدی درنیامده، تبدیل به اثری شد که نه در خانه جشنواره رضایت اهالی رسانه را به دست آورد و نه در اکران عمومی خواهد توانست تماشاگر عام را راضی کند و گیشه را به دست بیاورد. جمله نظرات منتقدان درباره دو روز دیرتر، منفی یا در بهترین حالت متوسط است و به ندرت می‌توان نقد مثبتی درباره این فیلم در فضای رسانه‌ای یافت. اتفاق عجیب درباره این اثر، توییت‌های برخی کاربران پروژه‌بگیر توییتر بود که در روزهای جشنواره و یکی دو روز بعد از بالا گرفتن انتقادات نسبت به این فیلم منتشر شد و تا پایان جشنواره، تنها برای همین یک فیلم اتفاق افتاد. روشن نیست هزینه این پروژه توییتری از طرف چه کسی یا کسانی تامین شد، ولی به هر حال تنها پروژه بنیاد روایت فتح در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر با این اتفاق جالب در یاد اهالی رسانه ماند.

حوزه هنری، شهرداری تهران و مهوا

رویاشهر

پویانمایی بلند «رویاشهر» درواقع محصولی از موسسه سوره (حوزه هنری) است که شهرداری تهران و مهوا پس از شروع تولید پروژه، از آن حمایت کرده‌اند. این فیلم مانند پویانمایی «ساعت جادویی»، ازجمله آثار کمتردیده‌شده جشنواره است که بسیاری از منتقدان رغبتی به تماشای آن نشان ندادند. با این حال به گواه آن دسته از اهالی رسانه که رویاشهر را تماشا کردند، این فیلم نه اثری ضعیف، بلکه محصولی متوسط از آب درآمده که لااقل در زمینه متحرک‌سازی، طراحی کاراکتر و سایر ویژگی‌های فنی، اثری آبرومند به شمار می‌آید و اگرچه پیشرو و چشمگیر نیست ولی در سطح سینمای ایران استانداردها را رعایت می‌کند. در عین حال، کیفیت فیلمنامه رویاشهر محل بحث منتقدان شد، خصوصا آنکه در انتها، رنگ‌وبویی مذهبی می‌گیرد که با کلیت اثر همخوانی زیادی ندارد. رویاشهر هم نتوانست داوران را راضی کند تا سیمرغ یا حتی دیپلم افتخار بگیرد.

مهوا

شمشیر و اندوه

مجتمع «مهوا» پویانمایی بلند «شمشیر و اندوه» را به صورت مستقل برای جشنواره ساخت که با واکنش‌های چندان مثبتی مواجه نشد. این فیلم اگرچه به دلیل استفاده از موتور بازی‌سازی، در ویژگی‌های گرافیکی واقع‌گرایانه از آب درآمده اما از نظر فیلمنامه و قصه با انتقادات بسیاری مواجه شد و اهالی رسانه را ناامید کرد. اجماع منتقدان بر این مساله است که شمشیر و اندوه نمی‌تواند قصه بگوید و پراکنده، پرداخت‌نشده و مبتنی‌بر اطلاعات تماشاگر از واقعه عاشوراست. درنتیجه اولین تلاش مستقل مرکز مهوا، در رده پویانمایی‌های خوب سینمای ایران قرار نگرفت و تماشاگران نیز آن را دوست نداشتند. اثری که درنهایت بعید است اکران پررونقی داشته باشد.

بنیاد فارابی و بنیاد شهید

دست ناپیدا/ شور عاشقی/ میرو

بعید است بتوان در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر، یک همکاری ارگانی را ناموفق‌تر از همکاری بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد شهید و امور ایثارگران دانست. هر سه محصول همکاری این دو نهاد در جشنواره، آثاری ضعیف و پرانتقاد از آب درآمدند که یکی از آنها، اساسا به محل اصلی انتقادات نسبت به جشنواره هم تبدیل شد: «دست ناپیدا» اثر جدید انسیه شاه‌حسینی که در نوشته‌ها و گفته‌های روزهای برگزاری جشنواره، لقب «کمدی ناخواسته» گرفت و حسابی منتقدان را با حضورش در بخش مسابقه اصلی این رویداد متعجب کرد. کار شاه‌حسینی و منتقدان با واکنش‌های این فیلمساز نسبت به نقدهای منفی برنامه «هفت» بالا هم گرفت و سروصدای بیشتری ساخت. با این حال آنچه اهالی رسانه را بسیار شگفت‌زده و حتی عصبانی کرد، اهدای یکی دو جایزه در اختتامیه، خصوصا دیپلم افتخار گوهرشاد به انسیه شاه‌حسینی کارگردان این فیلم بود. دست ناپیدا را احتمالا می‌توان یکی از بدترین فیلم‌های این دوره جشنواره دانست که با سرمایه‌گذاری دو نهاد دولتی تولیدی شده است. یک درجه بهتر از این فیلم، «شور عاشقی» قرار می‌گیرد که آن هم نمراتی بسیار پایین از منتقدان دریافت کرد و بسیاری از اهالی رسانه، سالن برج میلاد را در میانه پخش این فیلم ترک کردند. این اثر با مضمونی ارزشمند درباره حرکت کاروان اسرای کربلا به سمت شام، این مضمون را به کلی هدر داد و به‌عنوان فیلمی ضعیف در یادها ماند که شاید حتی برای پخش از تلویزیون نیز کیفیت لازم را نداشته باشد، چه برسد به نمایش روی پرده بزرگ سینما. با این حال شور عاشقی سه نامزدی ازجمله دو نامزد بازیگری کسب کرد، ولی به جایزه‌ای دست نیافت. سومین همکاری بنیاد فارابی و بنیاد شهید در سودای سیمرغ امسال، «میرو» است که به‌عنوان جدیدترین قسمت از فیلم‌های حسین ریگی در سیستان‌وبلوچستان ساخته شد، ولی این اثر هم نتوانست توجه فراوانی را جلب کند و امتیازات پایینی از منتقدان گرفت. فیلم جدید ریگی نقدهای مثبت کمی نیز دریافت کرد که نشان می‌دهد چندان در برقراری ارتباط با اهالی رسانه موفق نیست. درنهایت به شکلی عجیب، هر سه همکاری بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد شهید و امور ایثارگران در فجر چهل‌ودوم، آثاری از آب درآمدند که تماشاگر را جذب نمی‌کنند.

بنیاد فارابی و وزارت میراث فرهنگی

پروین

یکی از فیلم‌های متوسط رو به پایین جشنواره که البته در همین حد و اندازه‌ها هم منتقدان را غافلگیر کرد. درحالی‌که آثار پیشین محمدرضا ورزی در تلویزیون یکسره ناموفق بودند، «پروین» با بازی خوب مارال بنی‌آدم که بر سر آن اجماع مثبتی به وجود آمد، تا حدی منتقدان را راضی کرد؛ البته نه آنقدر که از فیلم‌های خوب جشنواره شمرده شود. براساس نظر کلی منتقدان، ریتم مناسب و صحنه‌پردازی قابل توجه این فیلم، از نقاط قوت آن است. هرچند فیلم در قصه‌پردازی و درام، نتوانست اغلب منتقدان سینما را راضی کند و نمره قبولی نگرفت. با همه این احوالات، فیلم «کمدی ناخواسته» خوانده نشد و کسی به حضور آن در بخش اصلی خرده نگرفت. پروین در عین حال که رضایت بسیاری از مخاطبان را جلب می‌کند، بعید است پرفروش شود. این فیلم البته با کسب ۶ نامزدی و یک سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن، عملکرد مناسبی از نظر هیات داوران داشت.

بنیاد فارابی و بنیاد بیان

قلب رقه

یکی از فیلم‌های پرهزینه چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر که با نقدهای فرمی و تکنیکی مواجه شد، ولی از نظر مضمون و خصوصا سوژه، به چشم اهالی رسانه خوش آمد، «قلب رقه» است. این فیلم که اتفاقا در سالن برج میلاد در پایان از منتقدان چند بار تشویق گرفت، با آمار متوسطی در نقدهای منتقدان همراه بود، طوری که نه می‌شد گفت از نظر اغلب اهالی رسانه فیلم خوبی از آب درآمده و نه خروجی بسیار ضعیفی دارد. با این حال فیلم از آثار پیشین فیلمساز خصوصا سریال «نجلا» که با آن شناخته شد، در جایگاهی پایین‌تر قرار می‌گیرد. قلب رقه که تلاش شده محصولی تماشاگرپسند و هالیوودی جلوه کند، شباهت‌های قابل توجهی به سریال نمایش خانگی «سقوط» دارد و البته اگرچه فیلمی پرهیجان است، ولی با هزینه‌هایی بسیار بالا تولید شده و به اندازه تولید پرهزینه، محصول موفقی نیست. این فیلم از عناصر جذب مخاطب به گیشه نیز برخوردار نیست. با همه این احوالات، قلب رقه با کسب ۸ نامزدی و یک سیمرغ فنی، از نظر داوران جشنواره اثری ضعیف به نظر نمی‌رسید.

کانون پرورش فکری

ظاهر

از آثار کمتردیده‌شده چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر چه در میان منتقدان و چه در بین تماشاگران، «ظاهر» است. اثری که در سانس آخر نخستین روز جشنواره، بعد از چند فیلم با واکنش‌های منفی به نمایش درآمد و از حضور هنرپیشه‌های شناخته‌شده هم بهره نمی‌برد. درنتیجه با سالنی کم‌جمعیت مواجه شد و اثری بسیار بی‌سروصدا لقب گرفت. این فیلم نه با نقدهای بسیار مثبتی تحسین شد و نه با نقدهای منفی مواجه شد. سادگی و بی‌ادعایی که ظاهر را شبیه به تجربیات دو دهه قبل مجید مجیدی مشاور کارگردان آن کرده، از نقاط قوت این فیلم شمرده می‌شود. تنها محصول مستقل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در جشنواره ۴۲ فجر، اگرچه گیشه‌ای گرم و پرمخاطب نخواهد داشت ولی حضورش در جشنواره با مخالفت اهالی رسانه و منتقدان روبه‌رو نشد.

شهرداری تهران

بی‌بدن

فیلم «بی‌بدن» محصولی از موسسه تصویر شهر (شهرداری تهران) بیش از آنکه به کیفیتش شناخته شود، به خاطر جنجال‌های فراوانش به یاد آورده می‌شود. بر سر پذیرش این اثر در بخش سودای سیمرغ، سروصدای فراوانی به وجود آمد و گفته می‌شد حتی روی انتخاب محل سینمای رسانه‌ها تاثیرگذار بوده است. درنهایت رونمایی از این فیلم در خانه جشنواره، نشان داد شایستگی حضور در بخش مسابقه اصلی را داشته؛ تا جایی که حتی عده‌ای از اهالی رسانه، بی‌بدن را یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره معرفی کردند، هرچند عده‌ای هم آن را دوست نداشتند. این فیلم که البته به نسبت بسیاری از آثار این دوره، پروداکشن بزرگی ندارد، از حضور ستاره‌های گران‌قیمتی بهره می‌برد و از معدود محصولات بحث‌برانگیز جشنواره به شمار می‌آید. فیلم اول مرتضی علیزاده درنهایت نقدهایی گرفت که به‌عنوان یکی از آثار متوسط رو به بالای جشنواره مطرح شد. بی‌بدن از نظر هیات داوران جشنواره چهل‌ودوم، مستحق نامزدی در دو رشته بهترین فیلم اول و بهترین کارگردانی اول شناخته شد، ولی به جایزه‌ای دست نیافت.

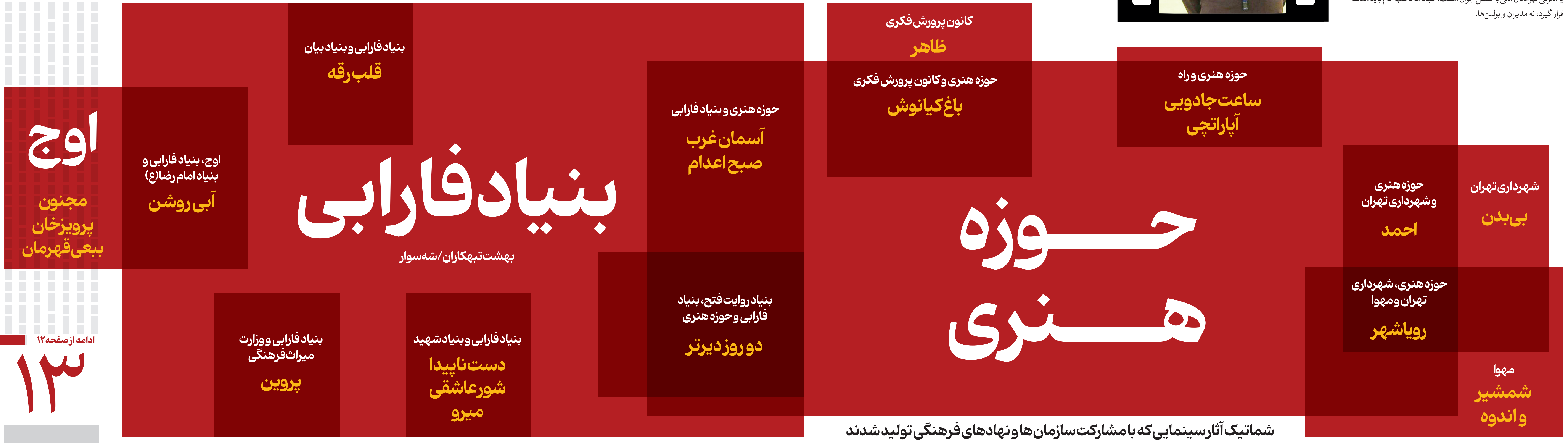

شماتیک آثار سینمایی که با مشارکت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی تولید شدند